

سقوط به مثابه انتقام

در باره واکنش هابه ماجرای پژمان جمشیدی

محسن سلیمانی فاخر
منتقد و نویسنده

جامعه امروز ما، جامعه‌ای است انباشته از خشم، خشمی که دیگر نه فقط از ظلم فردی، بلکه از بی عدالتی ساختاری زاده می‌شود. سال‌هاست مردم، از فاصله میان «آنها که دارند» و «آنها که ندارند» می‌سوزند؛ از طبقاتی که پول، شهرت و رانت، برایشان حکم مصونیت دارد. در چنین فضایی، هر ماجرای جنجالی نه فقط یک رویداد، بلکه فرصتی است برای فوران این خشم فروخورده. پژمان جمشیدی، خواه متهم باشد یا قربانی، حالا در میانه همین میدان انفعال ایستاده است. مردم دیگر چندان دنبال اثبات حقیقت یا رد اتهام نیستند؛ وجدان جمعی خسته و تحقیرشده فقط به دنبال یک چیز است؛ فروکش کردن رنج مزمن بی عدالتی. سقوط یکی از چهره‌های محبوب، برای طبقه‌ای که سال‌ها زمین خورده، حکم نوعی تسکین دارد؛ نوعی «انتقام نمادین» از طبقه بالا. در جامعه ما که عدالت اقتصادی و اجتماعی به رویایی دست‌نیافتنی بدل شده، رسانه و فضای مجازی تبدیل به میدان انتقام و دادخواهی عمومی شده است. اینجا دادگاه نیست، ولی مردم حکم می‌دهند. نه از سر آگاهی حقوقی، بلکه از دل زخمی‌ای که دیگر به هیچ نهاد و سازوکاری اعتماد ندارد. در این میان جمشیدی فقط یک نام نیست؛ یک نشانه است. نشانه همان فاصله‌ی طبقاتی، همان امتیازات غیرقابل دسترس، همان «مصونیت نانوشته» که مردم سال‌ها در برابرش تحقیر شده‌اند. وقتی یکی از آن‌ها زمین می‌خورد، مردم احساس می‌کنند تعادلی؛ هر چند موقت و وهمی برقرار شده است. این ماجراها نشان می‌دهد بحران واقعی، نه اخلاقی است، نه فردی؛ بلکه ساختاری است. جامعه‌ای که در آن نابرابری نهادینه شده، دیر یا زود خشمش را بر هر نماد قدرت و ثروت خالی می‌کند. مشکل مانده با جمشیدی، بلکه با ساختاری است که جمشیدی‌ها را از نقد و حساب‌کشی مصون می‌دارد. ماجرای اخیر بیش از آنکه، رویدادی در باره یک بازیگر باشد، آینه‌ای است از روان جمعی جامعه‌ای زخمی؛ جامعه‌ای که دیگر عدالت را، نه در قانون، بلکه در سقوط دیگری جست‌وجوی کندو این‌شاید ترسناک‌ترین نشانه‌ی فرسایش اخلاقی و عاطفی ما باشد. در نگاه موریس روزنبرگ، انسان سه لایه از «خود» را در تعامل با جامعه تجربه می‌کند؛ خود موجود، آن چیزی است که واقعاً هستیم، خود دلخواه، تصویری است که آرزو داریم باشیم و خود وانمودی، نقابی است که برای تأیید اجتماعی و حفظ جایگاهمان به چهره می‌زنیم. در ماجرای اخیر، هر سه این لایه‌ها به شکلی تلخ بر ملا شده‌اند. پژمان جمشیدی، مانند بسیاری از چهره‌های عمومی، سال‌ها با خود وانمودی‌اش زیسته است؛ چهره‌ای محبوب، خندان و مردمی که بر پرده و رسانه نمایان می‌شود. اما اکنون جامعه خشمگین، در تقابل با این «خود وانمودی»، در پی افشای خود واقعی با همان خود موجود است، نه از سر جست‌وجوی حقیقت، بلکه برای شکستن نقاب امتیاز و برابری‌نمایی. آنسوی دیگر، مردم نیز در واکنش‌های خود، میان خود دلخواه (آرمان عدالت‌خواه و اخلاقی) و خود وانمودی (رفتار تهاجمی و قضاوت گرانه در فضای مجازی) گرفتار شده‌اند. در واقع این بحران فقط درباره یک فرد نیست؛ بلکه درباره‌ی جامعه‌ای است که خود وانمودی‌اش -یعنی ظاهر اخلاقی و متین‌اش- دیگر توان پنهان کردن خود خشمگین و سرخورده‌اش را ندارد. فروپاشی این نقاب‌هاست که ماجراجویی را به صحنه‌ای از عریان‌شدن روان جمعی بدل کرده است. در نظریه روزنبرگ، «برداشت از خود» حاصل رابطه‌ی فرد با تاب‌ اجتماعی اوست؛ یعنی انسان نه فقط خود را می‌بیند، بلکه آن گونه که دیگران او را می‌بینند، خود را می‌سازد. مرزهای این برداشت، همان جا شکل می‌گیرد که تصویر اجتماعی از خود، از تجربه واقعی زیسته جدا می‌شود. در جهان چهره‌هایی چون پژمان جمشیدی، این مرزها به شدت شکننده‌اند. آنان در میانه دو آیین زندگی می‌کنند؛ آیین محبوبیت و آیین واقعیت. هر چه تصویر رسانه‌ای‌شان صیقلی‌تر می‌شود، شکاف میان خود واقعی و خود اجتماعی‌شان عمیق‌تر می‌گردد. در جامعه ما که برون‌نمایی و دیده‌شدن جای صداقت را گرفته است، «خود» به پروژه‌ای دائمی از نمایش بدل می‌شود. از این منظر جمشیدی هانه‌صرفاً بازیگر سینما، بلکه بازیگران خویش‌شان‌اند؛ محصول فرهنگی جامعه‌ای که ارزش‌ها را بر اساس درخشش ظاهری می‌سنجد. اما هنگامی که افکار عمومی بر آنان می‌تازد، آن مرزهای برداشت از خود فرومی‌پاشد و «خود وانمودی» فرو می‌ریزد. خشم مردم در واقع واکنشی است به همین فروپاشی تصویر؛ جامعه‌ای که سال‌ها فریب پرستی‌و موفقیت را خورده، اکنون با افشای هر چهره، می‌خواهد فاصله‌ی میان بودن و وانمود کردن را انتقام بگیرد. در چنین شرایطی، «برداشت از خود» دیگر متعلق به فرد نیست، بلکه به میدان دآوری جمعی سپرده می‌شود؛ میدانی که در آن مرز میان عدالت و انتقام، حقیقت و لذت سقوط دیگری، به طرز خطرناکی در هم می‌آمیزد.

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱۰۶۱۹۳۳۰۰۰



کاشتن بذر امید

روایتی از بازدید برگزیدگان برتر کنکور ریاضی از پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات و دیدار با وزیر ارتباطات

مسعود شاه‌حسینی
گزارشگر هم‌میهن

نخبگی در کشور ما قصه پر آب چشم است. حکایت امیدوارشدن با کوشیدن است و ناامیدشدن، بی‌خیالی و جلا‌ی وطن. نخبگی قصه رنج و دلسوزی هم هست. آنها که می‌مانند و شاید پشیمان شوند و آنها که می‌روند دل‌شان با وطن‌شان است. کی و چطور می‌شود که این قصه فقط یک پایان داشته باشد، معلوم نیست اما خوب به اطر افمان که نگاه کنیم، ابتکارها و اقداماتی را می‌بینیم که جوانه‌های امید را در دل مان می‌رویاند.

▼ امید می‌خواهند و حمایت

دیروز صبح وزارت ارتباطات، خبرنگاران رسانه‌ها را دعوت کرده بود تا در تور بازدید نخبگان کنکور رشته ریاضی که امسال و سال گذشته تدارک دیده بود، همراه‌شان باشد. ابتدا در نگاه همه می‌شد خوانند که می‌پرسند برای دانش آموزان نخبه‌ای که تازه پایشان به دانشگاه باز شده، چنین بازدیدی چه فایده‌ای دارد؟ دفعه‌رفته که فضای تور را دیدیم و صحبت‌ها را شنیدیم، پی بردیم که مسیر نخبه‌پروری از همین ابتکارات، آشنایی‌ای‌ها و امیددادن‌ها شروع می‌شود. نخبگانی که وزارت ارتباطات میزبان‌شان بود، همگی دانشجویان رشته‌های کامپیوتر و برق دانشگاه صنعتی شریف بودند. همان‌ها که با تلاش‌های بسیار و شبانه‌روزی با گذشتن از سد کنکور، حالا نخبه لقب گرفته‌اند. لمبی که مسئولیت، انتظار و توقع می‌سازد؛ چه خودشان از خودشان و دیگران و چه دیگران از آنها. وزارت ارتباطات و در رأس آن ستار هاشمی، وزیر ارتباطات دانشجویان دیروز این نخبگان را دعوت کرده بود که ببینند و امکانات و زیرساخت‌های پژوهشگاه فناوری اطلاعات و ارتباطات را ببینند، قوت قلب به آنها بدهد، امیدوارشان سازد و تا هر جا لازم بود حمایت‌شان کند.

▼ باور قلبی به حمایت وزارت ارتباطات

تور بازدید از آزمایشگاه جامع فناوری اطلاعات در همان طبقه اول ساختمان مرکزی پژوهشگاه شروع شد. ۱۰ دانشجوی نخبه‌ورودی ۱۴۰۴ دانشگاه صنعتی شریف از بخش‌های مختلف آزمایشگاه‌های تخصصی حوزه آی‌تی را دیدند تا اگر روزی برای پروژه‌های کاری با مطالعاتی‌شان به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیاز داشتند، به این مرکز مراجعه کنند. آزمایشگاهی که نمونه‌ای کوچک‌تر از تمام زیرساخت‌ها و بسترهای صنعتی در شبکه ارتباطی کشور است و بخش زیادی از نیازهای مطالعاتی و محاسباتی دانشجویان را برآورده می‌کند. آنچه در این بازدید توجه‌برانگیز بود، اشتیاق و ذوق و کنج‌کاوی دانشجویان به فهمیدن و تجربه کردن بود. آشنایی با امکانات و فرصت‌های پژوهشگاه امیدوارشان کرده بود و این امیدواری در صحبت‌هایی که با یکدیگر می‌کردند، شنیده می‌شد. برای ما خبرنگاران یک نکته دیگر هم توجه‌برانگیز بود. کارشناسان و متصدیان بخش‌های مختلف آزمایشگاه جامع فناوری اطلاعات، به نخبگان جوان و آینده‌دار با بیانی ساده و در عین حال تخصصی، موضوعات و بخش‌های مختلف را توضیح می‌دادند. چنین به نظر می‌آمد که آنها مسیر تحصیلی نخبگان را می‌دانند و با زبان و لحنی حمایتی می‌خواستند آنها را به این باور برسانند که وزارت ارتباطات و پژوهشگاه، تمام‌قدر کنارشان ایستاده و همراه‌شان است.

▼ گفت و گو در فضای صمیمی و رفاقتی

هر چه از برنامه بازدید می‌گذشت، بیشتر معلوم می‌شد دعوت از نفرات برتر کنکور فقط یک بازدید ساده نیست. این را هنگامی که به سالن اصلی جلسه در طبقه دوم پژوهشگاه رفتیم، بهتر درک کردیم؛ جایی که نخبگان جوان همه دور یک‌میز مستطیلی بزرگ نشسته بودند و معاونان وزیر هم‌پشت‌سر آنها، کمی بعد هم ستار هاشمی که آمد، فضا به کلی عوض شد. فضا کاملاً رفاقتی بود، صمیمیت موج می‌زد و گپ‌وگفت‌های وزیر با نخبگان چنان دوستانه بود که احساس می‌کردی این نخبگان را مدت‌های طولانی است می‌شناسد، به‌طور منظم هم با آنها جلسه می‌گذارد و موضوعات و مسائل‌شان را پیگیری می‌کند. در حقیقت نیز همین گونه بود. هم وزیر و هم حاضران در جلسه به‌خصوص برگزیدگان سال گذشته کنکور

ریاضی، یکدیگر را به‌طور کامل می‌شناختند. به‌خصوص هنگامی که دانشجویان وزیر کدهایی می‌آوردند یا از کارهای پژوهشی و برنامه‌هایشان می‌گفتند، مطمئن می‌شدیم این پیوند و آشنایی، عمیق‌تر از دیدار یک مقام و مسئول با مراجعان یا هم‌تایان، معاونان و زیردستان است. سومین و مهم‌ترین بخش تور بازدید از پژوهشگاه فناوری اطلاعات و ارتباطات هنگامی بود که دانشجویان از دغدغه‌ها، نیازها و چشم‌اندازشان از آینده گفتند. آنهایی که سال‌ها بالای بودند، تصویر بهتری از دوران تحصیل و آینده‌شان داشتند و به‌خوبی هم در صحبت‌هایشان نمایان بود که چه چیزهایی تکرارشان را مشغول کرده و به چه‌سخت حمایت‌هایی نیاز دارند. دانشجویان درباره دغدغه‌هایشان گفتند. از جمله اینکه، فیلترینگ آنها را از بسیاری از فرصت‌ها و امکانات اینترنت بین‌الملل محروم کرده است. با اینکه دغدغه تعدادی از دانشجویان، گذراندن سربازی بود و نیازشان به حمایت‌های بنیاد ملی نخبگان به‌ویژه اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به تعریف نخبگی و تغییر در سیستم امتیازدهی نخبگان. آنها تأکید داشتند کشور باید در مسیر نقش‌آفرینی نسل جوان حرکت کند و با حضور مؤثر در ساختار حکمرانی، موجب اصلاح، شفافیت و افزایش کارآمدی شوند. آنها از این گفتند که طرح اینترنت طبقاتی، تهدیدی جدی برای عدالت ارتباطی است و نابرابری دیجیتال را تشدید می‌کند. تعدادی از نگرانی‌هایشان از شرایط بازار کار را شرح دادند و برخی نیز پیشنهاد دادند که کمیته‌مشورتی نخبگان جوان تأسیس شود. آنها می‌خواستند حمایت‌های وزارت ارتباطات و دولت از آنها، در هر دو سطح ایده و اجرا، بلندمدت باشد.

▼ خوشبختی در راستای خیر جمعی است

سخنرانی وزیر ارتباطات نیز در این جلسه متفاوت‌تر از همیشه بود. فضای جلسه، طرح موضوع و پیگیری لحظه‌ای بود. چه آن هنگام که دربار سربازی نخبگان دغدغه‌هایی مطرح شد و چه آن‌گاه که موضوع آینده شغلی مطرح شد. ستار هاشمی گفت که وزارت ارتباطات می‌کوشد میان الزامات حاکمیتی و نیازهای واقعی جامعه تعادل ایجاد کند و تأکید کرد که ما مورت این وزارتخانه کاستن از موانع، محدودیت‌ها و اعطای فرصت‌های تجربه‌اندوژی به نخبگان و ارج‌نهاده‌ن به آنهاست. هاشمی نخبگان جوان را نماد امید، پشتکار و الگوی ملی دانست که گفتار و رفتارشان بر جامعه اثرگذار است. او با طرح پرسشی درباره نسبت موفقیت و خوشبختی، آن را وضعیت جمعی توصیف کرد و گفت، خوشبختی زمانی معنا دارد که در راستای خیر جمعی و خدمت مردم و کشور باشد. او تلاش و پایداری نخبگان را سرمایه آینده کشور ارزیابی کرد و اضافه کرد، در فضای کاری و اجرایی هیچ فرش قرمز می‌پهن نیست و باید ایستادگی کنند، بجنگند و تلاش کنند تا مسیر باز شود. هاشمی خطاب به دانشجویان نخبه، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات را خانه آنها خواند و گفت که این مرکز پل ایده و اجراست. او همچنین از طرح‌هایی مانند پارک فناوری یاد کرد که زیرساخت‌های لازم برای حرکت از ایده تا تولید انبوه را فراهم کرده‌اند. وزیر ارتباطات پژوهشگاه ارتباطات، پارک فناوری و منطقه ویژه اقتصادی پیام را سه حلقه اصلی زنجیره نوآوری کشور دانست و گفت که این مجموعه‌ها بستری برای حضور نخبگان و تبدیل پروژه‌های علمی به محصولات کاربردی هستند و وزارت ارتباطات از همکاری با نخبگان در این مسیر استقبال می‌کند.

▼ نشانه‌ای از تغییر

در پایان این دیدار، آنچه از نگاه ناظران پنهان نماند، بارقه‌ای از امید و اعتماد متقابل میان نخبگان جوان و وزارت ارتباطات بود. جوانانی که در آغاز راه‌اند، اما با انگیزه‌ای روشن‌تر از همیشه از آینده سخن می‌گویند، می‌خواهند به حرف‌شان گوش داده شود و با آنها گفت‌وگو شود. این تور بازدید، اگر چه در ظاهر یک بازدید علمی بود اما در باطن، نشانه‌ای از تغییر در نگاه به نخبگان است که باید به فال نیک گرفته شود؛ تغییر از برخورد نمادین و تشریفاتی، به مشارکت واقعی و گفت‌وگوی دوسویه. اگر این مسیر ادامه یابد و سیاست‌گذاری‌ها بر مدار اعتماد و حمایت پایدار از نخبگان جوان بچرخد، می‌توان امید داشت که ایران، نه سرزمین مهاجرت نخبگان، که وطن ماندن و ساختن آنان باشد. کیست که منکر شود آینده کشور در دستان همین نسل است؛ نسلی که اگر مجال بروز بیابد، نه تنها در آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، بلکه در ساخت و عالم حکمرانی، توسعه و نوآوری نیز اثرگذاری‌شان را نشان خواهند داد.

عاشق تئاتر

هماروستا، چهارم مهرماه ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. شش‌ساله بود که به مسکونزد پدرش - که از سران حزب توده بود- رفت. دیپلم که گرفت، اما راهی برلین شد. مدرک فوق‌لیسانس خود را نیز از دانشکده هنرهای دراماتیک بخارست رومانی گرفت. در نهایت در ۲۶ سالگی به ماموطن بازگشت و اگر چه نخست قصد داشت شیمی بخواند، اما سر از دانشکده هنرهای دراماتیک درآورد و بلافاصله فعالیت در تئاتر وسینما را شروع کرد. در سینما البته جز یک فیلم از ساموئل خاچیکیان در پیش از انقلاب با اثری حاضر نشد اما در عرصه نمایش بسیار فعال‌تر بود. بعد از انقلاب هم به‌خصوص با بازی در «پرنده کوچک خوشبختی» و «از کرخه تا راین»، به چهره‌ای آشنا برای مردم بدل شد اما تمرکز عمده‌اش نمایش بود و در تئاترهای متعددی به کارگردانی خودش و همسرش حمید سمندریان ایفای نقش کرد. در دهه ۱۳۷۰ در تله‌تئاترهای متعددی نیز حضور داشت. آخرین حضورش روی صحنه بازی در نمایش «باغ آلبالو»ی چخوف به کارگردانی حسن معجونی بود. در روز تولد ۷۱ سالگی‌اش اما درحالی‌که برای درمان سرطان در لس‌آنجلس به‌سر می‌برد، خبر درگذشت او دوستدارانش را در اندوه فروبرد.



صلح از رهگذر رضایت

کتاب «فراخوانی آزادی و عدالت» همانطور که از نام‌فرعی آن پیداست، تأملاتی است در آرای جان رالز که از نظر نویسنده این اثر، فیلسوف اخلاق، صلح و دموکراسی است. جان رالز، رسیدن جامعه‌های لیبرال به صلح دموکراتیک را از رهگذر پابندی به قانون مردمان و توازن نیروها، یعنی احترام برابر شهروندان به خود و به‌همه‌مردمان، امکان‌پذیر می‌داند. بدین‌سان رالز در گام نخست، به قانون و اخلاق تأکید می‌گذارد که بن‌مایه ثابت در این جوامع است. صلح دموکراتیک به‌معنی توافق موقت بر پایه توازن نیروها نیست، بلکه این منافع معقول است که امکان صلح را فراهم می‌کند. اگر مردمان از عدالت اجتماعی و سیاسی بر خوردار شوند و در این راه، بدون تبعیض با آنان به گونه‌ای برابر رفتار شود، آزادی‌های بنیادین میان آنان رعایت شود و از نظر اقتصادی به‌نحو آبرومندی زندگی کنند، جامعه می‌تواند به زیست صلح‌آمیز دموکراتیک دست یابد. چنین سیاسی‌ریسیدن به صلح از رهگذر رضایت است. بنابر این این تصور که نظامی‌گری یا افزایش قدرت نظامی می‌تواند در جامعه موجب ثبات شود، در نگاه رالز از اساس بی‌پایه و مردود است.

فراخوانی آزادی
و عدالت
نویسنده:
سیدعلی محمودی
انتشارات: گام نو

نبرد میونگ‌نیانگ



در نبرد میونگ‌نیانگ در ۲۶ اکتبر ۱۵۹۷، نیروی دریایی پادشاهی چوسون کره، به رهبری دریاسالار بی سون‌سین، با نیروی دریایی ژاپن در تنگه میونگ‌نیانگ در گوشه جنوب‌غربی شبه‌جزیره

کره، جنگید و به پیروزی خارق‌العاده‌ای دست یافت. در این نبرد درحالی‌که کره‌ای‌ها پس از شکست فاجعه‌بار دریاسالار وون کیون در نبرد چیلچون‌یانگ فقط ۱۳ کشتی در اختیار داشتند، با درایت دریاسالار بی، تنگه میونگ‌نیانگ را به‌عنوان آخرین سنگر در برابر نیروی دریایی ژاپن حفظ کردند. این در حالی بود که ارتش زمینی ژاپن نیز به‌سمت ستول در حرکت بود. منابع مختلف، تعداد کشتی‌های ژاپنی را بین ۱۲۰ تا ۳۳۰ کشتی تخمین زده‌اند. بااین‌همه ۳۱ کشتی ژاپنی نابود شدند و نتیجه نهایی، شکست دریایی تحقیرآمیزی برای ژاپنی‌ها بود. حتی پس از پیروزی، نیروی دریایی چوسون هنوز از نظر تعداد، از نیروهای باقی‌مانده ژاپنی کمتر بود، بنابراین دریاسالار بی، برای تأمین مجدد ناوگان خود و داشتن فضای بیشتر برای دفاع متحرک، به‌دریای زرد عقب‌نشینی کرد. با توجه به اختلاف در تعداد کشتی‌ها، این نبرد دریایی به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین پیروزی‌های تاکتیکی در تاریخ جنگ‌ها در نظر گرفته می‌شود.